

بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر آگاهی زیست محیطی زنان (مطالعه‌ی موردی: شهر تهران)

سیده زهرا شمسی پاپکیاده^{۱*}، سید محمد شبیری^۲
تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۳ صص ۳۳۴-۳۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۰

چکیده

آگاه‌سازی و آموزش جامعه در رابطه با ارزش و اهمیت محیط زیست برای ادامه‌ی حیات بشر امری مهم است. مقاله‌ی حاضر، نتیجه‌ی پژوهش کاربردی و روش توصیفی - پیمایشی با هدف عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آگاهی زیست محیطی زنان است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای در شهر تهران انجام گرفت که براساس فرمول منطقی کوکران، ۳۹۰ نفر برای حجم نمونه تعیین شد. پرسش‌نامه ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها تعیین شد. پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری تحلیل همبستگی پیرسون و اسپیرمن، یومان ویتنی استفاده گردیده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میزان آگاهی زنان از مسائل زیست محیطی در حد زیاد می‌باشد. نتایج دیگر پژوهش عدم معنادار بودن رابطه‌ی بین وضعیت تأهل و بعد خانوار با میزان آگاهی‌های زیست محیطی زنان می‌باشد. از طرف دیگر بین عوامل اجتماعی و اقتصادی با آگاهی زیست محیطی زنان رابطه‌ی معناداری در سطح ۹۹ درصد و در برخی مؤلفه‌ها ۹۵ درصد وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، برای افزایش آگاهی‌های زیست محیطی زنان باید زمینه‌های تعامل، مشارکت، آموزش را در همه‌ی سطوح، به ویژه در مورد مدیریت طراحی، اجرا و ارزیابی طرح‌های مربوط به محیط زیست فراهم کرد.

کلمات کلیدی: عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، آگاهی زیست محیطی، زنان.

^۱ دانشجوی دکتری آموزش محیط زیست دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

^۲ استاد گروه آموزش محیط زیست دانشگاه پیام نور و رئیس کرسی یونسکو در آموزش محیط زیست

*- نویسنده مسئول: z.shamsi@pnu.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر شاهد تعداد فزاینده‌ی وقایع که ما را متوجه شکنندگی و آسیب‌پذیری سیستم‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، و اقتصادی جهان نمود (Kociszewska, 2014). بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و مسائلی نظیر محدودیت دوام ذخایر فسیلی، نگرانی‌های زیست محیطی، ازدحام روزافزون جمعیت، رشد اقتصادی و میزان مصرف، همگی مباحث جهان شمولی هستند که با گستردگی تمام، فکر همگان را در یافتن راهکارهای مناسب برای حل معضلات در جهان و به خصوص بحران‌های زیست محیطی به خود مشغول داشته است (Haghighatiyan, Pourafkari & Jafarini, 2013). این‌گونه علائم، نشان‌دهنده‌ی گسترش تأثیر منفی انسان بر محیط‌زیست هستند، که روز به روز آشکارتر شده است.

آگاهی از وضعیت محیط‌زیست و بررسی روند تغییرات آن یکی از موضوعاتی است که طی سال‌های اخیر مورد توجه همه بوده است. به‌طوری‌که شناخت و درک صحیح از وضعیت محیط‌زیست، برای تعیین تغییرات لازم در نحوه‌ی مدیریت و ارائه‌ی برنامه‌های مدیریتی نقش بسیار مهمی دارد (Sotude & Pourasghar sangchian, 2010). کسب آگاهی زیست‌محیطی نخستین گام در راه پایداری است و اساساً شرط بقای آینده‌ی بشریت آگاهی زیست‌محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط‌زیست و زندگی کردن بر پایه‌ی آن‌هاست (Frittief, 2015). یکی از پیش فرض‌های اساسی در مطالعات محیط‌زیست این است که بسیاری از مشکلات زیست محیطی را می‌توان با افزایش آگاهی عمومی در مورد محیط‌زیست برطرف کرد (Salehi, 2010). زیرا درک و آگاهی عمومی افراد به حرکت درآورنده‌ی تغییرات مثبت پایدار در محیط زیست است (Shobeiri, Mieboudi & Amamgholi, 2012). هم‌چنین برخی معتقدند که آگاهی زیست محیطی راه‌حل بسیاری از مشکلات زیست محیطی است (Salehi & Amamgholi, 2012). در مسیر آگاهی‌رسانی به اقشار مختلف جامعه، حضور زنان و ضرورت مشارکت آنان در حفظ محیط‌زیست و توسعه‌ی پایدار به جهت نقش مدیریتی در خانه و دارا بودن ویژگی‌های پرورش و مادرانه هم‌سوتر با طبیعت هستند و به طور غریزی و فطری به آن گرایش دارند (Aditya, 2016).

بنابراین زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان و به تبع آن کشور ما را تشکیل می‌دهند، آنان به دلیل ارتباط مؤثر و مستقیم با گروه‌های اجتماعی نقش بسزایی در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست دارند. زنان با مدیریت دلسوزانه و هوشیارانه‌ی خانواده به عنوان واحد تشکیل دهنده‌ی اجتماع، نقش مهمی در حفاظت محیط زیست ایفا می‌کنند. آن‌ها بر محیط زیست تأثیرگذارند و از محیط زیست نیز تأثیر می‌پذیرند (Azizi, Mehdizade & shobeiri, 2013). در یک رهیافت و فرایند توسعه از پایین به بالا و حساس به جنسیت، زنان در کشورهای در حال توسعه یک عنصر کلیدی توسعه، در

کل و به ویژه در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست هستند (Gururani, 2002). اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط‌زیست در ریودوژانیرو سال 1992 اتفاق مهمی برای زنان سراسر جهان بود؛ زیرا نقش قاطع زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه را که به‌طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد، بازشناسی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط‌زیست و توسعه‌ی بیشتر مورد تأکید قرار داد (Corral, 2002 & Mwangi, 2001).

به همین دلیل امروزه آگاهی زنان از مسائل زیست‌محیطی پیرامون خود به عنوان استراتژی جدید در کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار محیط‌زیست مطرح شده است. مطالعات نشان داده است که با وجود این‌که زنان در دستیابی به شاخص‌های توسعه، محروم‌تر از مردان هستند، اما نقش اساسی در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارند (Akbari, 2012).

در این پژوهش، عوامل و شرایطی اجتماعی و اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر شناخت و آگاهی محیط‌زیستی زنان از توانش‌های خود و محیط پیرامون در نظر گرفته شده است. عوامل اجتماعی دارای شاخص‌هایی چون ویژگی‌های فردی، فرهنگی - اجتماعی و رفتاری - روانشناختی می‌باشد و همچنین عوامل اقتصادی به شاخص‌های چون فعالیت اقتصادی و میزان درآمد تعریف گردید. براین اساس دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با شاخص و متغیرهای پژوهش واکاوی خواهد شد؛ در نهایت تعیین می‌شود که کدام نظریه و دیدگاه علمی، هر یک از متغیرهای شاخص عوامل اجتماعی و اقتصادی را تبیین می‌کنند. دیدگاه‌هایی مانند ژان کلویته، مارشال مک لوهان و فردیناند تونیس از جمله دیدگاه‌هایی هستند که پیرامون سیر تحول و تکامل شیوه‌های ارتباطی مطرح شده‌اند.

دیدگاه ژان کلویته تحولات ارتباطات اجتماعی را در چهار مرحله تقسیم می‌کند. ارتباطات شخصی: ارتباطات اغلب به شیوه‌ی رو در رو، مستقیم یا شخصی انجام می‌شود (Ghasemi, 2015). ارتباطات نخبگان: در عصر ارتباطات نخبگان نقش نخبگان مذهبی، وعاظ و شیوه‌ی ارتباط یک سویه تأکید می‌شود (Fazelnia & Eftekhari, 2005). ارتباطات جمعی (توده‌ای): بیشتر بر نقش وسایل ارتباط جمعی (نوستاری، دیداری و شنیداری) تأکید می‌شود و در آخر، ارتباطات فردی: با ارتباط شخصی تفاوت دارد و بر ارتباطات بر اساس تمایلات فردگرایانه تأکید می‌نماید؛ یعنی فرد دارای تمایلاتی جدا از جمع گردیده و به سوی انواع رسانه‌های فردگرا سوق پیدا می‌کند (Ghasemi, 2015). دیدگاه مارشال مک لوهان سیر تحول و تکامل جامعه‌ی بشری را در ارتباطات به سه عصر و دوره که عبارتند از دوره‌ی اول، عصر ارتباطات شفاهی، دوره‌ی دوم، عصر ارتباطات کتبی و چاپی و جامعه‌ی فردگرا، دوره‌ی سوم، عصر ارتباطات الکترونیک و دهکده‌ی جهانی تعریف می‌کند؛ اما دیدگاه فردیناند تونیس ارتباط را محور شناخت و تأثیرگذاری ارتباطات در شناخت افراد می‌داند. نظریه‌ی تونیس به

دو جامعه‌ی متمایز اشاره می‌کند. جامعه‌ی معنوی و جامعه‌ی صوری، در جامعه‌ی معنوی، نوع ارتباط صمیمی و ارگانیک است در حالی که در جامعه‌ی صوری نوع ارتباط سنجیده شده، شکننده و اغلب براساس تقسیم کار و تضاد منابع در اعضا قرار دارد (Fazelnia & Eftekhari, 2005).

از نظریه‌ها و الگوهای مختلف اطلاع‌دهی از طریق وسایل ارتباط جمعی می‌توان نظریه‌ی تزریقی یا قطره‌ای و دو مرحله‌ای اطلاع‌دهی برشمرد. الگوی تزریقی بر این پایه استوار است که وسایل ارتباط جمعی آثار قوی، مستقیم و فوری بر مخاطبان دارد؛ اما الگوی دو مرحله‌ای اطلاع‌دهی ضمن تصدیق این مسأله که در درون یک محیط اجتماعی افراد اطلاعات را از یکدیگر و نیز از رسانه‌های جمعی دریافت می‌کنند فراگرد ارتباطی را به صورت یک ساختاری ترسیم می‌کند که از طریق آن اطلاعات و پیام‌ها از راه رسانه‌های جمعی و مجاری میان شخصی و از منبع به پیام‌گیر پیدا می‌کند (Ghasemi, 2015).

نظریه‌ی استحکام تأکید می‌کند که پیام قدرت ندارد و فرد به انتخاب خودش پیام را انتخاب می‌کند. در واقع این نظریه بیانگر آن است که نقش عوامل محیطی نظیر خانواده، مدرسه و... در ایجاد آگاهی افراد مؤثرتر از رسانه‌ها است. در نظریه‌ی برجسته‌سازی رسانه‌ها در انتقال پیام‌ها نوعی اولویت یا برجسته‌سازی به وجود می‌آورند. آن‌ها با برجسته ساختن برخی موضوعات می‌توانند بر اطلاعات مردم تأثیر بگذارند، اما در منطق، نظریه‌ی موزاییکی عزت‌جویی و جدایی‌گزینی توازن را از بین می‌برد و در نتیجه فاصله‌ی افراد از محیط پیرامون جامعه را گسترش می‌دهد، در نظریه‌ی شبکه‌ی اجتماعی، علاوه بر تزریق اطلاعات و نوآوری‌ها به افراد از طریق وسایل ارتباط جمعی، بافت اجتماعی (که در آن افراد جزئی از آن می‌باشند) نیز بر اطلاعات و از آن طریق بر تصمیم‌های آن‌ها اثر تعیین‌کننده‌ای دارد (Kiali, 2015) از نظریه‌ی الگوی نقش چنین استنباط می‌شود که چنانچه یک شخصی با افرادی که الگوی موفق از فعالیت‌های کارآفرینی در زندگی اجتماعی، اقتصادی خود داشته‌اند و می‌توانند تأثیر بسزایی نیز در ایجاد انگیزه و تصمیم وی برای کارآفرین شدن داشته باشند، هم‌نشینی، رفاقت پیدا کنند؛ هم‌چنین به موفقیت‌های آنان نیز به نحوی آشنا شوند (Fazelnia & Eftekhari, 2005) و در نهایت نظریه‌ی شکاف آگاهی اساساً یک فرضیه‌ی بدبینانه درباره‌ی کارکرد رسانه‌ها در افزایش آگاهی افشار و طبقات مختلف جامعه است. این فرضیه تأکید می‌کند که طبقات پایین اجتماع، در مقایسه با طبقات بالای اجتماع، با تأخیر قادرند از اطلاعات منتشره در رسانه‌ها بهره‌گیرند. از همین روی، شکاف و فاصله‌ی سطح دانش و آگاهی آنان روز به روز عمیق‌تر می‌شود.

جدول ۱- مهمترین معرف‌های مبین، نظریه‌ها و دیدگاه‌های تبیین‌کننده عوامل تأثیرگذار ابعاد اجتماعی بر شناخت و آگاهی زیست محیطی زنان (Fazelnia & Eftekhari, 2005).

شاخص	متغیرها	نظریه‌ها و دیدگاه‌های تبیین‌کننده
ویژگی‌های فردی	تأهل، سن و بعد خانوار	متغیر زمینه‌ای
فرهنگی اجتماعی	تحصیلات	نظریه‌ی استحکام، نظریه‌ی شکاف آگاهی
	شرکت در دوره‌های آموزشی -ترویجی	الگوی دو مرحله‌ای اطلاع دهی، نظریه‌ی شکاف آگاهی
	ارتباطات اجتماعی	نظریه موزاییکی، نظریه‌ی شبکه اجتماعی، نظریه-ی شکاف آگاهی، پخش سلسله مراتبی
	مطالعه کتب، روزنامه و مجله	دیدگاه ژان کلویته، نظریه تزریقی، نظریه برجسته‌سازی، نظریه شکاف آگاهی
رفتاری روانشناختی	تعامل و ارتباط با دیگران	دیدگاه ژان کلویته، نظر دیدگاه مارشال مک لوهان، دیدگاه فردیناند تونیس، الگوی دو مرحله‌ای اطلاع دهی، نظریه موزاییکی، نظریه شبکه اجتماعی و پخش سلسله مراتبی
	پایبندی به قانون و عرف	دیدگاه فردیناند تونیس، نظریه شبکه اجتماعی

جدول ۲- مهمترین معرف‌های مبین، نظریه‌ها و دیدگاه‌های تبیین‌کننده عوامل تأثیرگذار ابعاد اقتصادی بر شناخت و آگاهی زیست محیطی زنان

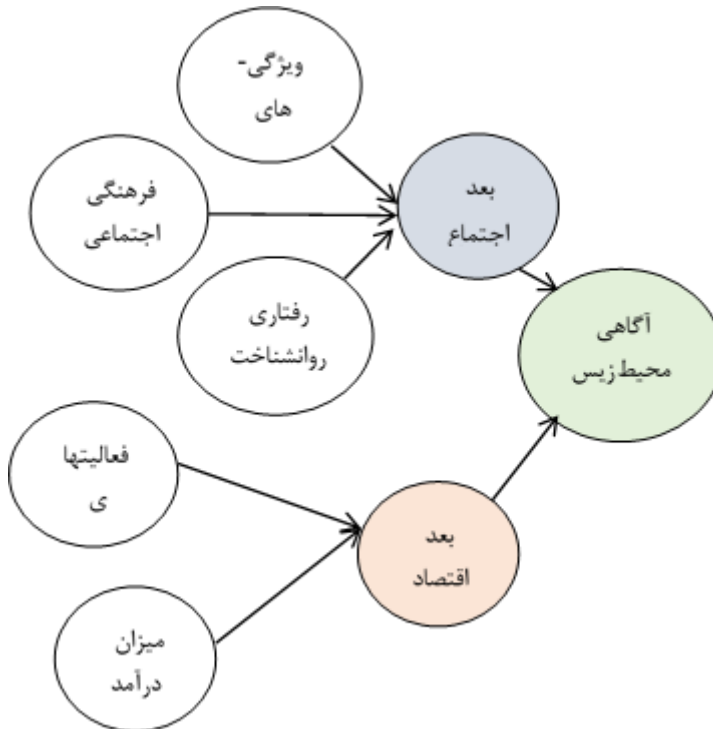
شاخص	متغیرها	نظریه‌ها و دیدگاه‌های تبیین‌کننده
فعالیت اقتصادی	شاغل، خانه دار	نظریه الگوی نقش
میزان درآمد	-----	نظریه شکاف آگاهی

لذا با توجه به مباحث فوق، سؤال‌هایی هم‌چون زنان تا چه میزان نسبت به محیط زیست پیرامون خود آگاهی دارند، هم‌چنین عوامل اجتماعی و اقتصادی در منطقه‌ی مورد مطالعه تا چه حد باعث

آگاهی‌های زیست محیطی آنان می‌شود در ذهن پرورش می‌یابد. لذا براین اساس به رابطه‌ی بین برخی متغیرهای موجود در شاخص‌های هر یک از ابعاد اقتصادی و اجتماعی بر شناخت و آگاهی زیست محیطی زنان پرداخته خواهد شد و فرضیه‌های این پژوهش چنین تعریف می‌شود که:

- بین ویژگی‌های فردی (تأهل، سن، بعد خانوار و تحصیلات) و آگاهی زیست محیطی زنان رابطه وجود دارد.
- بین مسائل فرهنگی اجتماعی (شرکت در دوره‌های آموزشی -ترویجی و ارتباطات اجتماعی) و آگاهی زیست محیطی زنان رابطه وجود دارد.
- بین مؤلفه‌های رفتاری روان شناختی (مطالعه‌ی کتب، روزنامه و مجله، تعامل و ارتباط با دیگران و پایبندی به قانون و عرف) و آگاهی زیست محیطی زنان رابطه وجود دارد.
- بین نوع فعالیت (شاغل و خانه‌دار) و میزان درآمد با آگاهی زیست محیطی زنان رابطه وجود دارد.

شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش



پیشینه پژوهش

تور (2009) در مطالعه‌ای به بررسی میزان آگاهی زنان از موضوعات محیط زیستی و تأثیر آموزش در افزایش این آگاهی‌ها پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که زنان به آموزش محیط‌زیست علاقه‌مند بوده و این گونه آموزش‌ها را مفید دانسته‌اند (Tor, 2009). صالحی آگاهی زیست‌محیطی را توانایی فرد در درک و ارزیابی اثر جامعه بر اکوسیستم تعریف می‌کند و معتقد است که آگاهی زیست‌محیطی خود را در قالب درک مسائل زیست‌محیطی و منشأ آن‌ها مسائل و پیامدهای آن را نشان می‌دهد (Salehi, 2008) هم‌چنین پژوهشگرانی مانند کولموس و اگیمن (Kollmuss & Agyeman, 2002) بیان می‌کنند که بیشتر افرادی که به اندازه‌ی کافی درباره‌ی موضوعات زیست‌محیطی آگاهی دارند، کنش‌های زیست‌محیطی مسئولانه از خود نشان می‌دهند. بارر (Barr, 2007) معتقد است پایه‌ی اجتماعی زیست‌محیطی می‌تواند در راه آزمودن ارزش‌های زیست‌محیطی به کار آید. افرادی که آمادگی بیشتری برای تغییر دارند، دگرددوست هستند و احساس نزدیکی با طبیعت می‌کنند و به احتمال زیاد رفتارهای محافظت از محیط، بیشتری از خود نشان می‌دهند. از آنجایی که عوامل اجتماعی بیش از عوامل اقتصادی بر عملکرد زنان برای حفظ محیط‌زیست تأثیر دارند (Najafian & Namdari, 2012). بنابراین تحولات اجتماعی که اکنون مشاهده می‌شود، از لحاظ افزایش میزان سود و سطح زندگی دارای اثر مثبت خواهد بود (Afsharnaderi, 2010) در تحقیقی گزارش می‌شود که آگاه نبودن زنان از عواملی است که باعث تخریب محیط زیست می‌گردد و یکی از مهم‌ترین اقدامات در جهان برای بهبود حفظ محیط‌زیست، آگاهی زنان است. در تحقیق میدانی محمدی‌نیا (Mohammadinia, 2007) که به بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر عملکرد زنان جهت حفظ محیط‌زیست (مطالعه‌ی موردی شهر لپویی) پرداخته شده است، به نقش مهمی که زنان در پرورش نسل نو و تربیت فرزندان به عهده دارند، اشاره نمود و بیان می‌کند از آنجا که زنان عامل اصلی انتقال فرهنگ و سواد زیست‌محیطی، اصلاح فرهنگ مصرف و مدیریت خانه و سرانجام عامل انتقال میراث معنوی و دانش زیست‌محیطی هستند، نقش مؤثری در حفاظت از محیط‌زیست ایفا می‌کنند. آنان به دلیل نقش مهمی که در مدیریت خانه دارند، می‌توانند برنامه‌ریزان اصلاح محیط‌زیست در خانه و محله‌ی خود باشند.

طی چند دهه‌ی اخیر مطالعات تجربی که در ارتباط با عوامل اقتصادی انجام شده است، وجود ارتباطی به شکل U معکوس بین کیفیت محیط‌زیست و سطوح مختلف درآمد سرانه را نشان می‌دهد. این ارتباط به‌عنوان همان منحنی زیست‌محیطی کوزنتس (Environmental Kuznets Curve: EKC) شناخته می‌شود (Kuznets, 1955). این رابطه بیانگر این مفهوم است که در سطوح پایینی همراه با رشد اقتصادی، کیفیت محیط‌زیست کاهش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش درآمد سرانه، تقاضای

مصرفی کالا و خدمات افزایش می‌یابد. با افزایش تقاضا برای مصرف کالا و خدمات، تولید نیز افزایش می‌یابد که این روند باعث تخریب محیط‌زیست شده و تأثیر خود را در پدیده‌هایی مشابه آلودگی آب، هوا، تخریب خاک، جنگل‌زدایی و گرم شدن کره‌ی زمین در اثر پدیده‌ی گلخانه‌ای می‌گذارد. این روند با افزایش درآمد سرانه افزایش می‌یابد و به سطح بیشینه می‌رسد (نقطه‌ی برگشت منحنی زیست محیطی کوزنتس). در مرحله‌ی بعد در سطوح بالای درآمدی از آن‌جا که تقاضا برای کیفیت مطلوب محیط‌زیست افزایش می‌یابد و تخریب محیط‌زیست به عنوان یک کالای بد تصور می‌شود، پدیده‌ی کاهش در تخریب و بهبود کیفیت محیط‌زیست صورت می‌پذیرد، اما باید اظهار داشت که دلیل این‌که بعد از رسیدن به این حد بحرانی کیفیت محیط‌زیست افزایش می‌یابد، هنوز به طور کامل مشخص نیست (Grossman & Krueger, 1995).

وجود این نظریه که رشد اقتصادی برای ارتقای کیفیت محیط زیست سودمند است مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است؛ زیرا از این طریق می‌توان به راه‌های گوناگونی دست یافت که موجب بهبود کیفیت محیط زیست می‌شود (Bakerman, 1992). این ایده نشان می‌دهد که مشکلات زیست‌محیطی پدیده‌ای جدی در دوران رشد اقتصادی است و بهبود فن‌آوری این مشکلات را در طول زمان حل می‌کند.

در سال‌های اخیر، اقتصاددانان زیادی اثرات زیست‌محیطی، رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. آلن و بارنز (Allen & Barnes, 1985)، مایرز (Myers, 1993)، کروپر و گرافیتز (Cropper & Griffiths, 1994)، کاهن و مک دونالد (Kahn & Mc Donald, 1994)، گراسمن و کراگر (Grossman & Krueger, 1995)، هولتز و سلتن (Holtz & Selten, 1995)، شافیک (Shafik, 1994)، کوپ و تول (Koop & Toole, 1999) باتارای و همینک (Bhattarai & Hammign, 2001)، باربایر (Barbier, 2004) و اورز (Ewers, 2006) همگی مقالاتی را ارائه کرده‌اند که به بررسی ارتباط بین تخریب محیط‌زیست (همانند آلودگی خاک، آلودگی رودخانه‌ها، آلودگی هوا، آلودگی آب، جنگل‌زدایی و ...) و تولید ناخالص داخلی (GDP سرانه) می‌پردازند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که برای بیشتر شاخص‌های تخریب محیط‌زیستی، منحنی زیست‌محیطی کوزنتس وجود دارد (Esmaili & Nasrnia, 2009).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از منظر روش تحقیق، توصیفی با رویکرد پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش زنان شهر تهران می‌باشد که طبق مرکز آمار در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۵۶۳۶۶۹۴ نفر اعلام شد (Statistical Center of Iran, 2011). حجم

نمونه براساس فرمول منطقی کوکران ۳۹۰ نفر تعیین شد، که با تقسیم‌بندی شهر تهران به پنج منطقه شامل شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز از هر منطقه به‌طور تصادفی زنان دارای دامنه سنی ۲۰-۶۰ سال انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته استفاده شد، که گویه‌های آن به سنجش ابعاد اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد هر یک از این ابعاد دارای شاخص‌های است که در میزان آگاهی محیط‌زیستی افراد تأثیرگذار می‌باشد این شاخص‌ها براساس مدل مفهومی تحقیق طراحی شده است. اخذ نظرات اساتید و صاحب‌نظران متخصص موجبات تأیید روایی پرسش-نامه را فراهم ساخت، برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده که با توجه به عدد به‌دست آمده (۰/۸۲) می‌توان گفت که پرسش‌نامه پژوهش از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد. سپس داده‌های به‌دست آمده از پرسش‌نامه با کمک نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل آن‌ها از فراوانی، رگرسیون، انحراف معیار، هم‌بستگی آزمون اسپیرمن، پیرسون و یومان ویتنی استفاده گردید.

یافته های پژوهش

متغیر وضعیت تأهل با میزان آگاهی زیست‌محیطی در بین زنان که از آزمون آماری یومان ویتنی استفاده گردید، نتایج نشان می‌دهند که بین تأهل تفاوت معنادار آماری از نظر میزان آگاهی زیست‌محیطی وجود ندارد. هم‌چنین آزمون پیرسون عدم رابطه‌ی معنادار بین بعد خانوار و میزان آگاهی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. اما بین دو متغیر سن و تحصیلات با میزان آگاهی زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون ویژگی‌های فردی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی زنان

شاخ ص	متغیر	آزمون	میانگین رتبه‌ای	مقدار آزمون یومان ویتنی	ضریب آماره	سطح معناداری (sig)
ویژگی های فردی	متاهل	یومان	۹۶/۱۲	۶۴۲/۳۱	--	۰/۷۱*
	مجرد	ویتنی	۸۹/۴۳			
فردی	سن				۰/۸۲	۰۰۰**
	تحصیلات بعد خانوار	پیرسون	-----	---	۰/۷۶	۰۰۰**
					۰/۱۰۲	۰/۱۴۳*

** : معناداری در سطح ۹۹ درصد

* : عدم معناداری

فرضیه‌ی دوم: بین مسائل فرهنگی- اجتماعی (شرکت در دوره‌های آموزشی- ترویجی و ارتباطات اجتماعی) و آگاهی زیست محیطی زنان رابطه وجود دارد.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، بین شاخص‌های فرهنگی- اجتماعی چون شرکت در دوره‌های آموزشی- ترویجی و ارتباطات اجتماعی با آگاهی زیست محیطی زنان به ترتیب رابطه‌ی معناداری در سطح ۰/۹۵ و ۰/۹۹ وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن، از بین دو متغیر شاخص فرهنگی- اجتماعی نشان می‌دهد که بیشترین عامل تأثیرگذار با ضریب آماره ۰/۷۹ مربوط به مؤلفه ارتباطات اجتماعی است.

جدول ۴- نتایج آزمون شاخص فرهنگی اجتماعی بر آگاهی‌های زیست محیطی زنان

شاخص	متغیر	آزمون	ضریب آماره	سطح معناداری (sig)
فرهنگی	شرکت در دوره‌های آموزشی -		۰/۲۱	***۰۰۶
اجتماعی	ترویجی ارتباطات اجتماعی	اسپیرمن	۰/۷۹	***۰۰۰
***: معناداری در سطح ۹۹ درصد ***: معناداری در سطح ۹۵ درصد				

فرضیه‌ی سوم: بین مؤلفه‌های رفتاری- روانشناختی (مطالعه‌ی کتب، روزنامه و مجله، تعامل و ارتباط با دیگران و پایبندی به قانون و عرف) و آگاهی زیست محیطی زنان رابطه وجود دارد.

در جدول ۵، با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن به بررسی فرضیه‌ی پژوهش پرداخته شد. که تجزیه و تحلیل آن با توجه به داده‌های به دست آمده چنین حاصل شد. که بین کلیه‌ی متغیرهای شاخص رفتاری روان شناختی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. سطح اطمینان رابطه‌ی معنادار بین متغیر مطالعه‌ی کتب، روزنامه و مجله با آگاهی زیست محیطی زنان ۰/۹۹ حاصل شد اما بین دو متغیر دیگر شاخص رفتاری روان شناختی (تعامل و ارتباط با دیگران و پایبندی به قانون و عرف) رابطه‌ی معناداری با سطح اطمینان ۰/۹۵ به دست آمده است. هم چنین نتایج نشان می‌دهد که از بین ۳ متغیر شاخص رفتاری روان شناختی با آگاهی زیست محیطی زنان مطالعه‌ی کتب، روزنامه و مجله با ضریب آماره ۰/۳۷ تأثیرگذارترین عامل می‌باشد.

جدول ۵- نتایج آزمون شاخص رفتاری روان‌شناختی بر آگاهی‌های زیست‌محیطی زنان

شاخص	متغیر	آزمون	ضریب آماره	سطح معناداری (sig)
رفتاری	مطالعه کتب، روزنامه و مجله	اسپیرمن	۰/۳۷	.۰۰۰***
	تعامل و ارتباط با دیگران		۰/۲۵	.۰۰۴***
روانشناختی	پایبندی به قانون و عرف		۰/۱۷	.۰۰۲***

***: معناداری در سطح ۹۹ درصد
***: معناداری در سطح ۹۵ درصد

تحلیل هم‌بستگی عوامل اقتصادی و میزان آگاهی زیست‌محیطی زنان فرضیه‌ی چهارم: بین نوع فعالیت (شاغل و خانه‌دار) و میزان درآمد با آگاهی زیست‌محیطی زنان رابطه وجود دارد.

برای تعیین رابطه‌ی بین نوع فعالیت با میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی زنان از آزمون پیرسون استفاده شده است. که با سطح اطمینان ۹۹ درصد بین متغیرها رابطه‌ی معنادار وجود دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون برای متغیر میزان درآمد با میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی زنان نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۹ درصد بین متغیرها رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

جدول ۶- بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی زنان

متغیر مستقل	آزمون	ضریب آماره	سطح معناداری (sig)
نوع فعالیت	پیرسون	۰/۷۴	.۰۰۰
اقتصادی	میزان درآمد	۰/۸۱	.۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

بحران‌های زیست‌محیطی ایران یکی از شدیدترین بحران‌های زیست‌محیطی در جهان شناخته شده است (Hedjazi & Arabi, 2009). بخش عمده‌ی معضلات زیست‌محیطی موجود، ریشه در فقدان آگاهی لازم در زمینه‌ی ارتباط انسان و طبیعت است (shobeiri & Mieboudi, 2013).

در این پژوهش سعی شده است تا عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آگاهی زیست‌محیطی زنان شهر تهران که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۹۰ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند، با روش پیمایشی بررسی شود. نتایج پژوهش عدم معنادار بودن بین دو متغیر تأهل و بعد خانوار را نسبت به آگاهی محیط‌زیستی زنان نشان می‌دهد. اما دیگر متغیرهای پژوهش، رابطه‌ی معناداری با آگاهی محیط‌زیستی زنان دارند که از بین متغیرهای عوامل اجتماعی سن و ارتباطات اجتماعی با بالاترین ضرایب آماری بیشترین تأثیر را در میزان آگاهی محیط‌زیستی دارند. رابطه‌ی بین گروه سنی و ارتباطات اجتماعی با آگاهی محیط‌زیستی در زنان می‌تواند ریشه در تجربه‌اندوزی و مشارکت آنان در مسایل و معضلات محیط‌زیستی با کمک ارتباطات جمعی و همگانی داشته باشد. بنابراین نتیجه‌ی کسب شده با پژوهش صالحی و امام قلی (Salehi & Amamgholi, 2012) در رابطه‌ی بین گروه‌های سنی و آگاهی زیست‌محیطی همسو است. هم‌چنین تحقیق ادهمی و اکبرزاده (Adhami & Akbarzadeh, 2010) با نتایج به‌دست آمده‌ی پژوهش هم‌خوانی دارد. وی بیان می‌کند، عوامل اجتماعی، عامل تعیین‌کننده‌ی برای آگاهی و رفتار محیط‌زیستی تک‌تک افراد یک جامعه هستند (Adhami & Akbarzadeh, 2010). اما از آنجایی که پایه‌های اجتماعی تک‌علتی نیستند، عوامل بسیاری در آگاه‌سازی محیط‌زیستی زنان که از اهداف مهم توسعه‌ی پایدار است، نقش تعیین‌کننده‌ی دارد؛ زیرا زنان در خصوص ایفای نقش اجتماعی و اقتصادی توان بالقوه‌ای دارند. وجود عواملی چون شغل، تحصیلات و برگزاری دوره‌های آموزشی از جمله مواردی هستند که تأثیر آن‌ها در آگاهی محیط‌زیستی افراد حاصل گردید و این نتیجه با تحقیق طاهری و راحمی (Taheri & Rahemi, 2004) که بیان‌کننده‌ی رابطه‌ی معنادار بین میزان آگاهی محیط‌زیستی افراد شاغل و سطح تحصیلات آن‌هاست، هم‌راستا می‌باشد. لذا استفاده از آموزش‌های محیط‌زیستی رسمی و غیررسمی در توانمندی و ایجاد آگاهی‌های محیط‌زیستی بیشتر در زنان تأثیرگذار است. برای انجام این امر می‌توان با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و برگزاری دوره‌های آموزشی و هم‌چنین نشست‌های محیط‌زیستی در منطقه یا محله برای ارائه‌ی آموزش‌های لازم جهت ارتقای آگاهی و دانش محیط‌زیستی برای تغییر در رفتارها به‌کار برد. از دیگر نتایج پژوهش حاکی از آن است که افزایش درآمد افراد باعث ارتقای آگاهی محیط‌زیستی افراد می‌شود؛ این یافته با مرحله‌ی سطوح بالای درآمدی منحنی محیط‌زیستی کوزنتس مطابقت دارد.

بنابراین چنین نتیجه می‌شود که افزایش آگاهی و درک عمومی زیست‌محیطی در جامعه، موجبات تغییر در شیوه‌های زندگی را برای همگان فراهم خواهد نمود. در واقع افزایش آگاهی و درک عمومی پیش‌نیاز این نکته است که عملکرد را در قبال محیط‌زیست تغییر می‌دهند و آن‌ها را به سوی حمایت از توسعه‌ی پایدار هدایت می‌کند. پس آگاهی زنان در قبال محیط‌زیست، از نکاتی است که باید به دقت مورد بررسی و اجرا قرار گیرد. از آن‌جا که زنان پرنفوذترین معلمان برای فرزندان خود محسوب می‌شوند، افزایش آگاهی محیط‌زیستی آن‌ها باعث می‌شود تا نگرش و رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در جامعه ترویج یابد؛ زیرا آن‌ها به عنوان یک رکن اساسی در پرورش نسل آتی و دارا بودن آگاهی محیط‌زیستی لازم می‌توانند روحیه‌ی سازگاری و حفاظت از محیط‌زیست را تقویت و حس مسئولیت‌پذیری را در فرزندان خود افزایش دهند. چون آموزش فرزندان تا حد زیادی به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک می‌نماید. حضور زنان در لایه‌ها و طبقات اجتماعی ارتباط آنان را با محیط‌زیست و شناخت عوامل مؤثر بر حفظ و کاهش تخریب آن خواهد شد. اگر زنان از نظر مشارکت‌های اجتماعی مانند تصمیم‌گیری‌های دولتی درخصوص حفظ محیط‌زیست دخالت داشته باشند، بیشتر می‌توانند در این راستا قدم بردارند، زیرا براساس نگرش اکوفمینیستی زنان ارتباط نزدیکتری با محیط‌زیست دارند و می‌توانند مشارکت و همکاری سازنده‌ای در حفظ محیط‌زیست داشته باشند (Najafian & Namdari, 2012).

راهکارهای زیر را می‌توان در راستای نتایج پژوهش برای افزایش میزان آگاهی زنان در حوزه‌ی مسائل زیست‌محیطی به کار بست.

- گسترش آموزش و تبلیغات برای افزایش مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست
- ضرورت آموزش زنان در هر منطقه از کشور متناسب با تخریب‌های زیست‌محیطی در آن منطقه
- تهیه‌ی جزوات و بروشورهای آموزشی مناسب برای ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی زنان
- با توجه به اهمیت عوامل اقتصادی (شغل و درآمد) بر آگاهی‌های زیست‌محیطی، لازم است برای ارتقای آن، از افرادی که ارتباط کمتری با محیط‌زیست دارند، با همکاری مراکز آموزشی در آموزش زنان به منظور حفاظت از محیط‌زیست اقدام پذیرد.

References:

- Adhami, A, & Akbarzadeh, E, (2010). A Study on the Effective Cultural Factors Involving in Protection of the Environment in Tehran, Journal of sociological studies of youth, 1(1), 37-62. [In Persian]
- Aditya, S.K. (2016). Role of Women in Environmental Conservation, International Journal of Political Science and Development, 4(4),140-145.
- Afsharnaderi, A, (2010). Women and the environment (1), Conclusion from an Environmental Protection Agency survey, Anthropology and Culture. [In Persian]
- Akbari, A, (2012). He Role of Women in Sustainable Development of the Environment, Women in Development and politics, 10(4), 37-56. [In Persian]
- Azizi, M, Mehdizade, H, & Shobeiri, S. M, (2013). Check the status of the environmental approach Housewives of Ilam, Journal of humans and the environment, 22(33), 77-87. [In Persian]
- Bakerman, W. (1992). "Economic Growth and the Environment: Who's Growth? Whose Environment?" World Development, 20(4), 481- 496.
- Barr, S. (2007). "Factors Influencing Environment Attitudes and Behaviors: A U. K. Case Study of Household Waste Management", Journal of Environment and Behavior, 39(4), 435-473.
- Corral, T. (2002). "Women's Sustainable Development Agenda". Natural Resources Forum 26, 249-253.
- Esmaeili, A, & Nasrnia, F, (2009). Surveying factor affected protect area in selected developing countries, Journal of Agricultural Economics, 3(2), 125-137. [In Persian]
- Fazelnia, Gh, & Eftekhari, A, (2005). Theoretical explanation of the factors affecting the knowledge and knowledge of the villagers about their abilities and the surrounding environment, Human Sciences Modares, 9(1), 112-149. [In Persian]
- Frittief, C, (2015). Hidden Bonds: Combining the Biological and Social Spheres of Life in Sustainability, Translation by Mohammad Hariri Akbar, Tehran, Ni. [In Persian]
- Ghasemi, H, (2015). Theories and foundations of mass communication, Tehran, Payam- Noor University. [In Persian]
- Grossman, G. M., & Krueger, A. B. (1995). Economic Growth and the Environment, the Quarterly Journal of Economics, 110(2), 353-377.
- Gururani, S. (2002). "Construction of Third World Women's Knowledge In The Development Discourse". Unesco 2002, Published by Blackwell Publishers.
- Haghighatiyan, M, Pourafkari, N, & Jafarinia, Gh, (2013). The Effect of Ecological-Social Behaviors on Social Development (Case of Study: The Southern Pars Staff), journal of Iranian Social Development Studies (JISDS), 5(1), 135-152. [In Persian]
- Hedjazi, Y, & Arabi, F. (2009). "Factors Influencing Non-Governmental Organization Participation in Environmental Conservation)", International Journal of Environmental Research, University of Tehran, 3(1), 129-136.
- Kiali, A, (2015). Theories of Mass Communication, Tehran, Sako. [In Persian]
- Kociszewska, M (2014) "Environmental education of managers in the context of sustainable development strategy", Pedagogika Rodziny. Family Pedagogy, 4(2), 65-75.

Kollmuss, A., & Agyeman J. (2002). "Mind the Gap: Why People Act Environmentally and What are the Barriers to Pro-environmental Behavior?", *Journal of Environmental Education Research*, 8(3), 450-471.

Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality. *American Economic Review*, 45(1): 1-28.

Mohammadinia. T, (2007). Investigating the Socioeconomic Factors Affecting the Performance of Women in Environmental Protection, Master's thesis of Shiraz University. [In Persian]

Mwangi, E. (2001). "Not yet Paradise: Gender, Environment and Sustainable Development in Africa". Available Electronically At: www.worldsummit2002.org/texts/EstherMwangi.pdf

Najafian. M, & Namdari. R, (2012). Investigating the Socioeconomic Factors Affecting the Performance of Women in Environmental Protection, *Women's and Culture*, 3(11), 89-98. [In Persian]

Salehi, S. (2008). "A Study of Factors Underpinning Environmental Attitudes and Behaviours", UK: The University of Leeds.

Salehi, S. (2010). *People and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behavior in Iran*, LAP Lambert Academic Publishing.

Salehi. S, & Amamgholi. L, (2012). Empirical study of relationship between knowledge and environmental behaviors (Study of urban and rural areas of Sanandaj city), *Journal of Social problems of Iran*, 3(1), 121- 147. [In Persian]

Shobeiri. S. M, & Mieboudi. H, (2013). Evaluation of environmental education and provide suggestions for improving the current situation in Iran, *Journal of Environmental Sciences*, 11(1), 119-130. [In Persian]

Shobeiri. S. M, Miboudi. H, & Amamgholi. L, (2012). Analysis of the need for environmental education in the tourism sector in Mashhad, *Journal of Tourism Planning and Development*, 1(3), 166-188. [In Persian]

Sotude. A, & Pourasghar sangchian. F, (2010). Survey of Sustainability and Environmental Performance Indicators in 2005-2008 and Iran, *Environment and Development Journal*, 1(1), 51-72. [In Persian]

Statistical Center of Iran, (2011). *Census of Population and Housing 2011*, Available <https://www.amar.org.ir>

Taheri. M, & Rahemi. S.H, (2004). Necessary Strategies for the Development of Environmental Culture, *Proceedings of the First National Conference on the Development of Environmental Culture*, Tehran, Kianmehr. [In Persian]

Tor, H. (2009). "Increasing Women, s Environmental Awareness through Education", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1, 939-942.

